



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ترجمه شرح عربی سیسی

را پی گرفت و از دفتر سوم مثنوی مشغول ترجمه و شرح شد. پس از آن میادرت به اتمام رساله دکتری خود با عنوان **ترجمه و شرح حدیقه** کرد و آن را انتشار داد. ترجمه **کشف المحجوب** هجویری کار بزرگ دیگر وی است که از فارسی به عربی انجام پذیرفت. وی ترجمه **غزلیات شمس** را در اواخر عمر شروع کرده بود که به اتمام نرسید.

دسوقی به ادبیات معاصر ایران هم عشق می ورزید و آثار چندی را به عربی ترجمه کرد. از جمله آنها می توان از ترجمه **غریب دگی آل احمد** (ابتلاء بالتغرب) و ترجمه **بوف کور** و بعضی از داستان های صادق هدایت (البومه العمیاء و قصص اخری) اشاره کرد. ترجمه کتاب ابر

ابراهیم الدسوقی شتا استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الازهر قاهره مصر بسیاری از آثار ادبا و شعرای ادب کلاسیک و معاصر ایران را به زبان عربی ترجمه کرده و آثار متعددی را در موضوعات گوناگون درباره ادبیات ایران تألیف کرده است؛ و از این جهت حق بزرگی بر گردن زبان و ادبیات فارسی و عربی دارد.

دسوقی مسئولیت خطیر ترجمه دو مثنوی بزرگ عرفانی فارسی یعنی **مثنوی مولانا جلال الدین و حدیقه الحقیقه** سنابی را به عهده گرفت. پس از انتشار ترجمه و شرح دو دفتر اول مثنوی توسط استاد دکتر محمد عبدالسلام کفافی که استاد دسوقی بوده است، وی کار ناتمام وی



مجموعه علمی و پژوهشی
مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی
مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی
مطالعات فرهنگی



جامعه‌شناس معاصر ایران کتاب بازگشت به خویشمن را تحت عنوان «العودة الى الذات» ترجمه کرد. وی کتاب **الثوره الايرانيه ، الصراح ، الملحمه ، النصر** را هم درباره تاریخ معاصر ایران و انقلاب اسلامی تألیف کرد.

المعجم الفارسی الكبير که فرهنگ بزرگ فارسی - عربی است از دیگر آثار او است. وی کتاب **الفروق فی اللغة** ابو هلال عسکری را به همراهی دکتر محمد علوی مقدم به فارسی ترجمه و تصحیح کرد. در میان ترجمه‌های او از زبان انگلیسی می‌توان به ترجمه کتاب **The political language of Islam** اثر برنارد لویس با عنوان «لغه

زمانه و امیر زلف اسلامی ندوشن به عربی هم از آثار اوست. وی کتاب **Modern Persian prose literature** نگاشته حسن کامشاد را هم با عنوان **النثر الفنی فی الادب الفارسی المعاصر** از انگلیسی به عربی ترجمه کرد. دسوقی از آثار دکتر علی شریعتی اسلام‌شناس و

السیاسه فی الاسلام» اشاره کرد.

ترجمه و شرح حدیقه سنایی عنوان رساله دکتری دسوقی بوده است که در سال ۱۳۶۵ / ۱۹۹۵ توسط مؤسسه دارالامین قاهره منتشر شد. استاد راهنمای دسوقی مرحوم دکتر محمد عبدالسلام کفافی بود که با وجود اینکه دسوقی مایل بود ترجمه یکی از کتب معاصر زبان فارسی را به عنوان موضوع رساله دکتری انتخاب کند، ترجمه و شرح حدیقه را به وی پیشنهاد می‌کند و دسوقی هم به رغم آگاهی نسبت به مشکلات راه آن را می‌پذیرد.

استاد کفافی اما دانشجوی خود را تنها نمی‌گذارد و در طی جلسات متعدد دسوقی را در ترجمه و فهم مشکلات کتاب راهنمایی می‌کند. او می‌نویسد: «بعد از ظهرهای زیادی را با استاد از دانشگاه تا منزل وی پیاده می‌رفتیم و درباره حدیقه و مشکلات آن صحبت می‌کردیم. در همین سال‌ها بود که ترجمه دفتر اول و دوم مثنوی به همت استاد کفافی به پایان رسیده و منتشر شده بود و از موضوعات مورد بحث ما مقارنه بین مولوی و سنایی بود.» (الدسوقی، ۱۹۹۵، ۵)

دسوقی در سال ۱۹۷۲ از رساله خود دفاع کرد و پس از مرگ استادش کفافی ترجمه دفترهای دیگر مثنوی را به پایان رساند. در این زمان بود که دسوقی متوجه شد که مولانا در مثنوی تا چه حد از

می‌نویسد پس از آنکه متن حدیقه را با تأنی و دقت بیشتری مطالعه کردم متوجه امر غریبی شدم و آن اینکه سنایی در ستایش نامه‌های پادشاه آرای سیاسی خود را ارائه می‌دهد، و در هجویات هم مردم را به صفاتی هجو کرده است که مایه مدح و ستایش ایشان بوده است، و در مجموع سنایی صورت زنده‌ای از اجتماع عصر خود را در این کتاب ارائه می‌دهد. و همان طور که خود گفته است:

هزل من هزل نیست تعلیم است

شعر من شعر نیست اقلیم است

پس من هم هزل وی را هزل نپنداشتم و آن را حقیقتی از حقایق روزگار وی دانستم.

دسوقی ترجمه کتاب **حدیقه** را با مقدمه‌ای درباره سنایی و آفاق شعر وی می‌آراید. در این مقدمه او از تاریخ زندگی سنایی و ویژگی‌های شعری وی می‌نویسد. دسوقی معتقد است که سنایی تا پایان عمر مجرد زیسته است و این تجرد، فرصت کافی در اختیار او گذاشته تا به هر کجا که بخواهد سفر کند و اندوخته‌های فراوانی از این مسافرت‌های خویش هم داشته باشد. دسوقی سنایی را آغازگر شعر عرفانی فارسی معرفی می‌کند و وی را نخستین کسی می‌داند که بعضی اصطلاحات شعر صوفیانه چون مغ (کنایه از مرشد و پیر) و شراب و می (کنایه از فیض) و خرابات را ابداع می‌کند.



توجه به حکمت سنایی از جمله مطالب مهم مندرج در مقدمه دسوقی است. او می‌نویسد که سنایی علاقه‌مند است که مسائل حکمی را در شعرش به خصوص **حدیقه** وارد کند. اساس کتاب **حدیقه** مسائل و قضایایی است که به نحوی به فلسفه اسلامی و علم کلام مربوط می‌شود. بحث در باره جبر و اختیار، ذات و صفات، عدل و توحید، و همچنین کاربرد بعضی واژه‌های خاص فلسفی و منطقی چون: طابع، عناصر، آباء و امهات، کون و فساد، هیولی و صورت، جوهر و عرض، عقول و نفوس و ترتیب آنها، دسوقی مأخذ بسیاری از آراء کلامی و فلسفی سنایی را آراء اخوان الصفا می‌داند. وی در اثناء کتاب هم جا به جا به این نکته اشاره می‌کند.

دسوقی در پایان نتیجه می‌گیرد که سنایی در **حدیقه** تلاش می‌کند تا تمامی معارف صوفیانه را به نوعی به شریعت اسلامی متصل کند. استاد به آیات قرآن و احادیث نبوی و اقوال مشایخ و تعلیمات ایشان نشان می‌دهد که سنایی می‌خواهد همان‌طور که فردوسی با شعر خود حافظ تاریخ ایران قدیم و اساطیر پیش از اسلام بوده است، او هم تا

حدیقه سنایی بهره برده و افکار و آرای وی را شرح و توضیح داده و در بسیاری از مواضع از کتاب حدیقه نقل کرده است. دسوقی می‌نویسد: «در آن زمان بر من روشن شد که ریشه و اساس آراء و افکار مولوی را باید در حدیقه جست، پس دوباره به حدیقه روی آوردم و ترجمه متن را به پایان رساندم. در این میان متوجه بودم که انتشار ابیات حدیقه بدون شرح ابیات مشکل آن مفید نیست، پس مشغول جستجوی شروع حدیقه شدم اما شرحی برای آن نیافتیم، شرح عبداللطیف عباسی را در اختیار نداشتیم و تعلیقات مدرس رضوی هم شرح تمام ابیات مشکل را در بر نداشت. اما یا توجه به اینکه مولانا در مواضع بسیاری ابیات حدیقه را در مثنوی شرح کرده است من هم در شرح بسیاری از ابیات خواننده را به شرح آن معانی در مثنوی حواله دادم.» (همان، ۶)

دسوقی در مقدمه کتاب خود از مشکل دیگری هم یاد می‌کند و آن، دشواری انتشار مدیحه‌ها و هجویات و مفاخره‌های سنایی است که در حدیقه مندرج است و دسوقی در ابتدا انتشار آن را صلاح نمی‌داند. اما

جایی که می‌تواند معارف صوفیه و حکمت اسلامی و دینی را در شعر خود وارد کند.

دسوقی به تأثیر شعر سنایی بر آثار شاعران پس از وی چون عطار، مولانا، خاقانی، نظامی، جمال‌الدین اصفهانی، قانانی و میرزا محمد تقی سپهر اشاره می‌کند، و اینکه نویسندگانی چون میبیدی در **کشف الاسرار** و نصرالله منشی در **کلیله و دمنه** و راوندی در **راحه الصدور** اشعار وی را تضمین کرده‌اند.

در ترجمه کتاب **حدیقه مأخذ دسوقی** تصحیح مرحوم مدرس رضوی بوده است. وی کل ابیات کتاب را شماره گذاری کرد. مطابق شماره گذاری وی کتاب **حدیقه تصحیح مدرس ۱۱۷۹۴** بیت است، که وی تمامی این ابیات را ترجمه کرده و سپس بر ابیات مشکل آن شرح نوشته است.

دسوقی در ترجمه متن حدیقه تلاش کرده تا ترجمه‌ای وفادار به متن ارائه دهد و در بسیاری از ابیات متوجه سعی بسیار مترجم در ایجاد موسیقی در متن ترجمه به خصوص قسمت قافیه و ردیف می‌شویم. وی در ترجمه بیت:

دهر نی قالب قدیمی او

طبع نی باعث کریمی او

می‌گوید:

لیس الدهر قالباً لقدمه

ولیس الطبع باعثاً لکرمه
(ص ۳۱)

یا در ترجمه بیت زیر می‌نویسد:
آتش و باد و آب و خاک و فلک

زبرش عقل و جان میانه فلک

النار و الريح و الماء و التراب و الفلک

فوقها العقل و الروح و وسطها الملك

دسوقی با دقتی که از او انتظار می‌رود ابیات را ابتدا به یاری استادش درک کرده و فهمیده و سپس آن را ترجمه کرده است. ترجمه وی آنچنان دقیق و صحیح است که می‌توان حتی در فهم بسیاری از ابیات مشکل از آن استفاده کرد. مثلاً در دو بیت زیر که در حدیقه سنایی موقوف المعانی است می‌بینیم که دسوقی چنین ترجمه می‌کند:

عقل را خود کسی نهد تمکین

در مقامی که جبریل امین

کم ز گنجشکی آید از هیبت

جبریلی بدان همه صولت

فان الانسان يستطيع ان يعطى عقله تمکین

لوانه کان فی مقام جبریل امین

(بل) ان جبریل من هیبته لاقبل من عصفور

مع کل ما یملکه من صوله

(ص ۲۹)

با توجه به موجز بودن سخن سنایی در حدیقه مترجم هر جا که لازم دیده است با استفاده از توضیحات اضافی (البته در داخل دو هلال) متن را مفهوم کرده است. برای نمونه در ترجمه بیت:



ای که فرش زمانه نوشتی

وای که از چار و نه بنگذشتی

چنین می‌نویسد:

وانت یا من لم تلوا فرش الزمان

وانت یا من لم تترك (الطبایع) الاربعه و (الافلاک) التسعه

در پاورقی‌هایی هم که مترجم در قسمت ترجمه متن می‌افزاید بعضی توضیحات لازم دیگر اضافه می‌شود. به عنوان مثال اسامی رخش و بیژن (ص ۶۶) کلماتی هستند که در پاورقی برای خواننده عرب توضیح داده می‌شوند. در توضیح بیت:

تو در این بادیه پر از بیداد

غمز را مغز خوانده شرمت باد

در پاورقی می‌نویسد که سنایی در این بیت بین دو کلمه غمز و مغز از صنعت قلب استفاده کرده است. (ص ۱۰۰) و یا مثلاً در توضیح عنوان «قال النبی (ص) فرغ الله تعالی عن الخلق و الخلق و الاجل و الرزق» می‌نویسد که شاید معنی این حدیث با معنی حدیث «جف القلم بما هو



تعلیقات ذکر نکرده اضافه کرده است. از کتب صوفیه کتاب‌های **کشف المحجوب**، **طبقات سلمی**، **حلیه الاولیاء**، **رساله قشیریّه**، کتاب **التعرف** و شرح آن، **تذکره الاولیاء** و آثار غزالی مورد مراجعه وی قرار گرفته است. با توجه به بخش‌های ابتدایی حدیقه که سنایی در آن بعضی مسائل کلامی را مطرح می‌کند، دسوقی هم در شرح این ابیات از کتبی

کائن الی یوم القیامه» برابر باشد. (ص ۲۲)
از استفاده فراوان دسوقی از آیات قرآن و احادیث نبوی و استناد به سخنان مشایخ صوفیه در کتاب‌های عرفانی بر می‌آید که وی تسلط بسیاری بر معارف اسلامی و عرفانی دارد. در شرح ابیاتی از حدیقه می‌بینیم که وی به آیه یا حدیثی اشاره می‌کند که پیش از وی هیچ یک



چون **مقالات الاسلامیین ابوالحسن اشعری**، کتاب **الملل والاهواء** و **النحل** ابن حزم سود می‌جوید.

در طول شرح ابیات حدیقه گاهی پیش می‌آید که دسوقی بر آراء مدرس رضوی خرده می‌گیرد و خود نظر تازه‌ای درباره بیت ارائه می‌دهد. مثلاً در شرح بیت ۲۴۳:

زهر در کام او شکر گردد

سنگ در دست او گهر گردد

که درباره حفظ الهی است و مدرس رضوی در شرح مصرع اول می‌نویسد که اشاره به داستانی دارد که طی آن یهودی‌ای با بزغاله‌ای بریان که آن را به زهر آورده از حضرت رسول پذیرایی می‌کند و حضرت لقمه‌ای از آن را می‌خورد و بر ایشان تأثیر نمی‌کند. دسوقی می‌نویسد

از شارحان به آن اشاره نکرده اند.

دسوقی در شرح بیت:

از پی بحث طالب و عاجز

هل و من گفتن اندرو جایز

حدیثی از رسول الله را نقل می‌کند: «نهی رسول الله (ص) عن قیل و قال و کثره السؤال و اضاعه المال» (مسند احمد ۲ / ۳۶۷ قاهره ۱۹۴۶ و صحیح بخاری ۴ / ۱۲۵)

دسوقی در شرح کتاب **حدیقه** غیر از شروخی که در دست داشته چون کتاب تعلیقات مدرس رضوی، از منابع حدیث اهل سنت مانند **مسند احمد بن حنبل** و **صحیح بخاری** و **موطأ مالک**، **جامع صغیر سیوطی**، **کنوز الحقایق** مناوی استفاده کرده و هر جا حدیثی را یادآور شده مأخذ آن را هم آورده است، حتی مأخذ احادیثی را که مدرس در

که به نظر من مصرع اشاره به داستان خالد بن ولید دارد که جام شرابی از گنجینه‌های خسرو را نوشید که ذره‌ای از آن برای کشتن مردی کافی بود، اما خالد را هیچ اثر نکرد چرا که وی پس از نوشیدن آن گفت: «بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض و لا فی السماء»

دسوقی با هشیاری تمام دقایق و نکاتی را در تصحیح حدیقه می‌بیند و بر آن خرده می‌گیرد، به عنوان نمونه در صفحه ۱۰۰ حدیقه مدرس ابیات ذیل عنوان در شکر و شکایت می‌آید، در حالی که موضوع این بند در لطف و قهر الهی است. دسوقی یادآور می‌شود که بهتر است عنوان این بند به «در لطف و قهر الهی» تغییر یابد چرا که موضوع این فصل پیرامون همین مطلب است. جالب است که در قدیم‌ترین نسخ حدیقه عنوان این بند «در قهر و لطف» است. (رک: حدیقه تصحیح مریم حسینی ص ۲۶) با توجه به اینکه دسوقی پیش از شرح حدیقه سنایی به ترجمه و شرح دفترهای سوم تا ششم مثنوی مشغول بوده است در بسیاری موارد در شرح ابیات سنایی به شرح ابیات نظیر آن در شرح مثنوی ارجاع می‌دهد. البته در بیشتر موارد روشن است که تشابه بین ابیات از نوع توارد است نه اقتباس یا تضمین، ولی در بعضی موارد هم وی به نشانه‌های تأثیر پذیری مولانا از سنایی اشاره می‌کند. مثلاً در شرح بیت ۴۰۳: تو فصول از میانه بیرون بر

گوش خر در خورست با سر خر که مولانا هم در دفتر سوم به آن اشاره کرده است. گاهی پیش می‌آید که دسوقی در شرح ابیات حدیقه از بعضی حکایت‌ها و روایت‌ها و تمثیل‌های صوفیه استفاده می‌کند و بر غنای اثر خود می‌افزاید. و در شرح حکایت بیرون آوردن تیر از پای حضرت علی (ع) در جنگ احد دسوقی پس از نقل شرح مدرس رضوی بر بیت به حکایت دیگری که می‌تواند در اینجا مورد اشاره قرار بگیرد اشاره می‌کند و آن داستان صوفی معروف ابوالخیر اقطع است که اطباء به جهت معالجه وی امر به قطع پای او کرده بودند و وی راضی نمی‌شد تا اینکه مریدان وی به طیب گفتند که پایش را هنگام نماز قطع کند چرا که او در آن هنگام چیزی را احساس نمی‌کند. پس پایش را هنگام نماز بریدند و او پس از ادای نماز متوجه پای بریده‌اش شد.

از جمله دقت‌های دسوقی در شرح کتاب توجه به مقارنه بین بعضی موضوعات مندرج در حدیقه سنایی با کتاب **احیاء علوم الدین** غزالی است. وی در شرح ابیات در فصل نماز حدیقه به اقتباسات سنایی از دیدگاه‌های غزالی و احادیث مندرج در آن فصل در احیاء اشاره می‌کند و می‌نویسد با توجه به اینکه در دوره زندگی سنایی اختلاف بین متصوفه و فقهاء شدید بوده است و روز به روز از طرف حکومت غزنوی هجوم بر هر آنچه غیر سنت و شریعت باشد بیشتر می‌شد، از طرف دیگر رعبی که اسماعیلیه در ممالک اسلامی پراکنده بودند موجبات هراس و ترس دوری از صورت شریعت را فراهم می‌کرد، عصر سنایی عصر تلاش برای وفات و سازگاری بین تصوف و شریعت است. همان کاری که امام محمد غزالی در **احیاء علوم الدین** کرد و سنایی هم در **حدیقه الحقیقه** به عنوان شاعر صوفی مواظبت شدیدی بر حفظ اصول شریعت دارد. (رک:

شرح دسوقی ص ۲۵۰ و همچنین مقاله حدیقه احیایی در شعر فارسی، مریم حسینی)

کتاب با همه مزایای آن متأسفانه اشکالاتی در حروفچینی و تایپ دارد که مانع روان خوانی متن میشود. به عنوان نمونه در صفحه ۱۰۰ به جای صنعت، صفت تایپ شده و یا لسیوطی در صفحه ۷۰ للبوطی ضبط شده و یا در ص ۲۴ به جای خیام، خیال آمده است و امثال آن که البته کم نیست.

پانویس:

* عضو هیئت علمی گروه زبان و ادب فارسی دانشگاه الزهراء.

منابع:

— آل احمد جلال، ۱۹۹۹، **الابتلاء بالغرب**، ترجمه بالعربیه ابراهیم الدسوقی شنا، قاهره.

— برنارد لویس، ۱۹۹۳/۱۳۷۲، **لغه السیاسه فی الاسلام**، دارقرطبه.

— حسینی مریم، ۱۳۷۶، **حدیقه احیایی در شعر فارسی**، **مجله علمی پژوهشی دانشگاه الزهراء**.

— الدسوقی شنا ابراهیم، ۱۹۹۵/۱۴۱۵، **ترجمه و شرح حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه**، قاهره، دارالامین، الطبعة الاولى.

— الدسوقی شنا ابراهیم، ۱۹۹۳/۱۳۷۲، **المعجم الفارسی الکبیر**، قاهره. مکتبه مذبولی ۳ ج.

— _____، ۱۹۸۶/۱۴۰۶، **التوره الایرانیه**، الصراح، الملحمه، النصر، قاهره، ناشر الزهراء للاعلام العربی.

— سنایی، ۱۳۸۲، **حدیقه الحقیقه**، به تصحیح و مقدمه مریم حسینی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

— سنایی، ۱۳۶۸، **حدیقه الحقیقه**، به تصحیح مدرس رضوی. تهران انتشارات دانشگاه تهران.

— شریعتی علی، ۱۴۱۳/۱۳۷۲، **العوده الی الذات**، ترجمه ابراهیم الدسوقی شنا، قاهره، الزهراء للاعلام العربی.

— عسکری ابوهلال، ۱۳۶۳، **الفروق فی اللغة**، ترجمه، تصحیح، تعلیق محمد علوی مقدم و ابراهیم الدسوقی شنا، مشهد، آستان قدس رضوی.

— کامشاد حسن، ۱۹۹۲/۱۳۷۱، **النثر الفنی فی الادب الفارسی المعاصر**، ترجمه ابراهیم الدسوقی شنا، قاهره، الهیئه المصریه العامه الکتاب.

— مدرس رضوی محمد تقی، ۱۳۴۵، **تعلیقات حدیقه الحقیقه**، انتشارات علمی، تهران.

— مولوی محمد جلال الدین، ۱۳۶۰، **مثنوی**، ترجمه و شرح ابراهیم الدسوقی شنا، تهران، زوار.

— هجویری غزنوی، ۱۹۷۴، **کشف المحجوب**، ترجمه بالعربیه ابراهیم الدسوقی شنا، نثر التراث بالازهر الشریف، الطبعة الاولى.

— هدایت صادق، ۱۳۷۰، **البومه العمیاء و قصص اخری**، ترجمه بالعربیه ابراهیم الدسوقی شنا، قاهره.